آژیر

دارنده امتیاز و مدیر مسئول
ج. پیشه وری

« بهای اشتراک »

سالیانه ۲۵۰ ریال
ششماهه ۱۴۰ «
برای کارگران و کشاورزان و معلمان و کارمندان جزء دولتی صدی بیست تخفیف منظور میگردد

بهای آگهیها با دفتر اداره است

جای اداره :
(خیابان ...)

آژیر روزهای یکشنبه ـ سه شنبه ـ پنجشنبه منتشر میشود

افتضاح انتخابات طهران

افتضاح انتخابات ارامنه

آقای سید محمد صادق طباطبائی باستناد وجود بعضی بی نظمی ها در انتخابات ولایات میخواهند خودرا تبرئه کنند . این عذر بدتر از گناه است . حیثیت و آبرو و سابقه وبالاخره شهرت یک امثال ایشان بلا اندوخته ملی ما است که باید از هر گزند و لغزش و خدشه مصون بماند . حتی خودشان هم حق ندارند آنرا لکه دار کنند . اگر ما در اینخصوص زیاد مینویسیم منظورمان تنها حسن جریان انتخابات طهران که هدف اصلی است نمیباشد . ما میخواهیم اندوخته شهرت و حیثیتی که مال ملت است و ممکن است روزی در مقتضی بکار مردم آید دست نخورده سالم باقی بماند و از حیز انتفاع نیفتد . باین سبب ما ...

گرچه آراء نقاط دیگر حومه هم حال آراء صندوق لواسانات را دارد ولی این دیگری شورش بالا آمده و افتضاحش از حد گذشته ـ یکی از روزنامه‌ها سه روز پیش نوشت که گویا آقای طباطبائی خیال دارند آرائی را که ...

اینکارها ممکن نیست بی مجازات بماند بکروزی حساب خواهد شد

اما آقای طباطبائی ... که یک بار گفتیم اندوخته حیثیت و آبروی اجتماعی ایشان گروهی جریان انتخابات طهران است

ما علاقه‌مندیم که جریان انتخابات طوری باشد که این اندوخته محفوظ بماند ولی وقتیکه امرش پیدا شد و خودشان مراعات بعضی قوانین و رسوم وسنن را نکردند ـ مردم و مطبوعات هم ناشق چشم و ابروی کسی نیستند

وظیفه ما همه است که اعمال نا شایسته ... ملت را که خود ملاحظه حیثیت و شرافت خودرا نمیکنند ... دیگران هم شده فاش و آشکار کنند .

اما انتخابات ارامنه

از قراری که میشنویم دکتر آقایان در الیکودوز و سایر نقاط خودرا ... بدولت و بعضی مقامات عالی معرفی کرده و دست بردهای کزائی کرده است که شرح آن در طی تلگرافات ...

ازخاطرات زندان

مختلسین و مارتین

نگارش ج . پ

طرح تثبیت پول ها

بعد از جنگ

بقلم ا. وارگا عضو آکادمی شوروی

تلگرافها

از رشت

از سبزوار

از ملایر

از مشهد

از شیراز

از اصفهان

گل آبادی از سبزوار انتخاب شد

یکی از اختلاس هائی که اخیرا کشف شده است

تفسیر اخبار داخله

توقیف سرتیپ قریب

وضع افسران جزء

مهمترین خبرهای خارجی

جاسوس آلمانی گرفتار شد

نیویورک — طبق اظهار خبرگزاری شوروی اطلاعات رسیده از کمیسیون امریکا مشعر بر آنست که یکی از ... آلمانی که تحت تابعیت دولت آمریکا در آمده ... جاسوسی گرفتار شد.

... اظهار داشت ... اطلاعاتی ... آلمانی ... فرستاده است.

این اطلاعات حاوی ... هواپیماها و ... جنگی و محصول آلومینیوم و مواد ... دولت آمریکا بوده است. ... در سال ۱۹۳۳ ... تابعیت آلمانی ... آمریکا ... در سال ۱۹۴۰ آمریکا بازگشت.

از سال ۱۹۳۱ ... کارمند وزارت کشاورزی آمریکا گردید.

...

کروزنی — طبق اظهار خبرگزاری شوروی ... چاپ ... از جمهوریهای ... شوروی گردید. این جمهوری ... است ... وسعت آن ... کیلومتر مربع ... دولت ... تشکیل ...

... اتحاد جماهیر شوروی ... آلمان ... در سال ۱۹۴۱ ... واحد های ارتش سرخ ... پیشرفت بسوی دشمن ... کشور ...

«وربر در حال محاصره

مسکو — ... امروز اعلام داشت که ... محاصره گردیده است.

... داخل ... ارتش ... است.

خط جبهه متفقین در ایتالیا پیش میرود

الجزایر — خبرگزاری انگلیس اطلاع میدهد رادیو الجزایر امروز اعلام داشت که تمام خطوط متفقین که متشکل از قوای آمریکائی و انگلیسی و فرانسوی بسوی شمال ایتالیا پیشرفت میکنند.

بمباران باختر آلمان

... هواپیماهای ... بمباران ... آلمانی ...

بمباران فرمز و ... بوسیله نیروی هوائی امریکا

...

جبهه ... شمال

مسکو — ... شوروی ...

... دولت ... در فرار ... باتلاقهای شوروی

...

فرمانده جدید پادگان مالت

قاهره — ... نیروی هوائی ... مالت ...

آگهی مناقصه

شهرداری تهران تهیه مقداری سنگ پله و سنگ ... تراشیده شده مورد نیاز ساختمان ... شهرداری را برابر مشخصات موجوده در اداره کارپردازی ... داوطلبان میتوانند پیشنهاد خود را ... ساعت ... ۱۳۲۲ ... شهرداری ... پیشنهادات ... آزاد و شهرداری در رد و قبول آن مختار خواهد بود.

ش ۲۰۵

شهرداری تهران

... ر و وسیده ... در یک نقطه دیگر قوای شوروی ... خویش را در خاور ... توسعه داده و تا ... میل آنطرف مرز ... پیشرفت نموده و اکنون در ۳۵ میلی ... میباشند.

پیشرفت جدید دیگری از طرف قوای شوروی در جنوب ... انجام یافته است ... مشغول ... پیشرفتهای خود ... میباشند.

اخبار متفرقه

طبق اظهار رادیو مسکو خبر داده است ... یک فیلم ... برداشته شده و در آن ... آلمانها و طرز ... نمایش گذاشته شده است.

...

چنانکه روزنامه ... اطلاع میدهد در یکی از رستورانهای ... افسر آلمانی ... اشخاص ... افسران ...

...

نیروهای فرانسوی تحت فرمان ... در خاک ایتالیا ... آمریکائی همکاری ...

...

اجرای قانون ... در ... بوده و ...

...

نیروی استرالیائی ... در جزیره ... واقع ... را اشغال نموده‌اند.

از هنگام پیاده شدن تفنگداران دریائی به دماغه گلوستر در بریتانیای جدید ژاپونی ها ۲۹۷۵ کشته داده‌اند.

... تعرف!

...

پادگان آلمانی در مرز پروکالینکو ... نابود شده است

مسکو — ...

... ارتش بحری

...

عملیات جنگی در اقیانوس آرام

...

ترجمه کریم کشاورز — ۱۱۰ — نگارش جون بی پریستلی

تاریکی گرتلی

تاریکی خیابان ها با شب ... چنان ... که پا به ... گذاشتم بر خود لعنت فرستادم که چرا ... خارج شدم ولی ناگهان ... (واریته) کوچولو یادم آمد.

من دست را ... کورها بدیوار ... رسیدم و دیدم ... تازه شروع شده است.

در مقابل ... جلوی ... مکانی بود که یک طبقه فوقانی داشت.

یک ارکستر کوچولوئی که ... و گاهی صدای رعد میغرید و گاهی ... دختر که موهای خود را ... روشن رنگ کرده بودند بروی صحنه ظاهر شده ... کنند که رقص های عجیب و غریب ... که چه ... بروی صحنه ... تماشا ... در جاورند.

... کوتاه ... صدای ... مردم را بخنداند.

هیچ ایرادی ... ولی او بیش از دیگران ... توجه ... صحنه ... میشه که ... نشاط ... و عرق کردن بود.

... که عکس ... بزرگتر بود تا موقع ... یکباره هم ظاهر شده ... برای پرده دوم ... بودند.

وقتی تآتر روشن شد ... من ... دو ردیف جلوتر ... را دیدم که بین آنها چند تن را میشناختم.

...

و بدری من ...

مشارالیها همان حالت ... را داشت و چون حالا دیگر ممکن نبود ... باشد من چنین نتیجه گرفتم که هر وقت دور و برش ازدحام و شلوغی و روشنائی زیادی باشد باین حال میافتد.

مشارالیها با لحن جدی بمن گفت:

«گوش کنید اگر تصور میکنید که کار دیشبی تان را بخشیده‌ام خیلی اشتباه میکنید. حالا خودتان تصمیم بگیرید.»

من گفتم: «خیلی خوب».

او پرسید: «خوب و چه؟ دنباله‌اش را بگوئید.»

ولی من دنباله‌اش را نگفتم و مثل این که گوئی شیلائی در آنجا حضور ندارد شروع بچاق کردن پیپ خود شدم.

شیلا چنین گفت:

«من انکار میکنم که رفتار فرنث ناهنجار بود و تا اندازه‌ای از آنچه گذشت راضیم.

گاهی او از این کارها میکند. گرچه مدتها بود که چنین چیزی از او دیده نشده بود. حالا قسم خورده است که بمحض برخورد با شما آنقدر بزندتان که جائی برایتان باقی نماند.

ولی نگران نباشید. من اتفاقا اطلاع حاصل کرده‌ام که او چند شب دیگر هم بیرون ... خواهد داشت.»

من گفتم که متشکرم و نگرانی ندارم.

او دوباره گفت:

«باید عذر بخواهید.»

من سئوال کردم چرا باید عذرخواهی کنم. مشارالیها دست مرا گرفت و گفت:

«خودتان بخوبی میدانید که حرکت خیلی زشتی نسبت بمن کردید.»

مشارالیها با چنان لحنی سخن میگفت که گوئی مدتها باهم دوست بوده و ناگهان از طرف من عمل ناشایسته نسبت باو سر زده باشد.

مشارالیها نمیدانست که چرا با این لحن سخن میگوید ولی من مثل اینکه میدانستم. در اینموقع مستر پریگو پیدا شد که بسوی ما میآمد و گیلاس ویسکی را در دست و تبسم «بدل چینی» دندانهای عاریه‌اش را در لب داشت. او سر رسید و بمن گفت:

...

ولی من سلام ... گردد ...

بروم ... میتوانم ... ویسکی برای شما بیاورم؟